

تأثیر انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت: نقش تعدیلی محدودیت مالی و مالکیت نهادی

دکتر علی اکبر رجبی

استادیار گروه حسابداری، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، پیشوا، ایران.
rajabicpa@yahoo.com

دکتر مهدی پناهی

استادیار گروه حسابداری، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، پیشوا، ایران.
mehdi.panahi1359@gmail.com

علی افشار

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، پیشوا، ایران.
(نویسنده مسئول)
afshar.ali5599@gmail.com

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هشتم)
شماره ۱۰۹ / زمستان ۱۴۰۴ (جلد اول) / صص ۱-۳۲

چکیده

هدف این پژوهش تبیین تأثیر انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت و نقش تعدیلی محدودیت مالی و مالکیت نهادی بر ارتباط بین آنها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است در راستای هدف پژوهش نمونه ای متشکل از ۱۴۸ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ انتخاب گردید. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش، از رگرسیون پنل دیتا به روش تلفیقی بهره گرفته شد. یافته های پژوهش نشان می دهد که انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش انحراف استراتژیک، اجتناب مالیاتی شرکت نیز افزایش می یابد. نتایج همچنین نشان می دهد که محدودیت مالی بر ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر در صورت وجود محدودیت مالی، ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تقویت می گردد. در حالی که، مالکیت نهادی بر ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش مالکیت نهادی، ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تضعیف می گردد. بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که رفتار مالیاتی شرکت ها نه تنها تابع جهت گیری های استراتژیک آنهاست، بلکه شرایط مالی و ساختار مالکیت نیز در شکل دهی به این رفتار نقشی کلیدی ایفا می کنند. یافته های پژوهش می تواند برای سیاست گذاران مالی، نهادهای نظارتی و سرمایه گذاران نهادی در جهت بهبود شفافیت مالی و کنترل رفتارهای مالیاتی تهاجمی شرکت ها مفید واقع شود.

کلمات کلیدی: اجتناب مالیاتی شرکت، انحراف استراتژیک، محدودیت مالی، مالکیت نهادی.

مقدمه

مالیات یکی از مهم ترین ابزارهای اقتصادی و اجتماعی دولت ها برای تأمین منابع مالی و توزیع عادلانه درآمد است. با این حال، مالیات در سطح شرکت ها و بنگاه های اقتصادی همواره به عنوان موضوعی بالقوه تنش زا در میان سهام داران و ذی نفعان تلقی می شود. از یک سو، سیاست ها و رویه های شرکت ها در کاهش بار مالیاتی یا بهره گیری از روش های

اجتناب مالیاتی می‌تواند به افزایش سود خالص و در نتیجه رضایت سهام‌داران منجر شود؛ اما از سوی دیگر، این اقدامات می‌توانند آثار منفی بر رفاه عمومی و توسعه اجتماعی بر جای گذارند، زیرا مالیات منبع اصلی تأمین مالی زیرساخت‌های عمومی، خدمات اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های ملی است (سیکا^۱، ۲۰۱۰). در سال‌های اخیر، افزایش جهانی‌سازی، گسترش شرکت‌های چندملیتی و ظهور اقتصاد دیجیتال موجب شده است که مسئله فرار و اجتناب مالیاتی به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران مالیاتی تبدیل شود. طبق گزارش رصدخانه مالیاتی اتحادیه اروپا، سالانه بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای مالیاتی بالقوه در سطح جهان به دلیل انتقال سود به حوزه‌های کم‌مالیات از دست می‌رود (رصدخانه مالیاتی اتحادیه اروپا^۲، ۲۰۲۳). این روند نه تنها به کاهش درآمد دولت‌ها منجر می‌شود، بلکه موجب افزایش نابرابری اقتصادی و تضعیف اعتماد عمومی به عدالت مالیاتی نیز می‌گردد (گارسیا-برناردو و یاناسکی^۳، ۲۰۲۲). از دیدگاه سهام‌داران، مسئله مالیات در نقطه تلاقی میان مسئولیت مالی مدیریت و تعهد اخلاقی شرکت قرار دارد. سهام‌داران انتظار دارند مدیران، ضمن پایبندی به قوانین، به گونه‌ای عمل کنند که هم منافع اقتصادی آن‌ها حفظ شود و هم اعتبار اجتماعی و مشروعیت شرکت در جامعه خدشه‌دار نگردد (دانلسون، گلن و یوست^۴، ۲۰۲۳). در همین راستا، مفهوم «شهروندی شرکتی» در سال‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای یافته است؛ بدین معنا که شرکت‌ها نه تنها باید سودآور باشند، بلکه لازم است سهم عادلانه خود را در پرداخت مالیات ایفا کنند تا به توسعه پایدار و رفاه عمومی یاری رسانند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۵، ۲۰۲۵). بنابراین، مطالعه سیاست‌ها و رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها از دو منظر اهمیت دارد: نخست، از منظر مالی و حاکمیت شرکتی برای ارزیابی عملکرد مدیریتی در افزایش ارزش سهام‌داران؛ و دوم، از منظر اجتماعی و اقتصادی برای سنجش میزان تعهد شرکت‌ها به عدالت مالیاتی و مسئولیت اجتماعی. این پژوهش با تمرکز بر این ابعاد، به بررسی رابطه میان رفتار مالیاتی شرکت‌ها، ساختار مالکیت و انتظارات ذی‌نفعان می‌پردازد. در مطالعه حاضر با فراهم کردن شواهدی تجربی در مورد اینکه چگونه شرکت‌های دارای استراتژی‌های انحرافی در اجتناب مالیاتی مشارکت می‌کنند، مبانی نظری اجتناب مالیاتی را بهبود می‌بخشیم. مطالعات بسیاری عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند (هانلون و هیتمن^۶، ۲۰۱۰). با این وجود، اینکه چگونه انحراف استراتژیک، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نامشخص است. مطالعه حاضر از این جهت حائز اهمیت است. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین، مبانی نظری در حال گسترش در ارتباط با انحراف استراتژیک را بسط می‌دهد. شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک نگهداشت وجه نقد بیشتری دارند (دونگ و همکاران^۷، ۲۰۲۱)، عملکرد مالی و عملیاتی بالاتری را نشان می‌دهند (تانگ و همکاران^۸، ۲۰۱۱)، همزمانی بازده سهام پایین تری دارند (یه و همکاران^۹، ۲۰۲۱)، بدهی با سررسید کوتاه مدت بالاتری دارند (پروواتی و همکاران^۹، ۲۰۲۲)، و ناکارایی سرمایه‌گذاری‌های کمتری را در مقایسه با شرکت‌های با انحراف استراتژیک انجام می‌دهند (راناسینگه و حبیب^{۱۰}، ۲۰۲۳). در پژوهش حاضر این ادبیات را با مستند کردن ارتباط آن با اجتناب مالیاتی به عنوان یک تصمیم واقعی اقتصادی گسترش می‌دهیم.

¹ Sikka

² EU Tax Observatory

³ Garcia-Bernardo & Jansky

⁴ Donelson, Glenn, & Yust

⁵ OECD – Organisation for Economic Co-operation and Development

⁶ Hanlon and Heitzman

⁷ Dong et al.

⁸ Ye et al.

⁹ Provaty et al.

¹⁰ Ranasinghe and Habib

ساختار باقی مانده این مقاله به صورت نظام مند و منسجم ارائه شده است. در ابتدا، چارچوب نظری و پیشینه پژوهش ارائه می شود تا مبانی علمی و زمینه نظری مطالعه به روشنی تبیین گردد. سپس، روش شناسی پژوهش شامل جامعه آماری، ابزار و روش های گردآوری داده ها و روش های تحلیل آماری به طور جامع تشریح می گردد. در ادامه، یافته های پژوهش ارائه و با رویکردی تحلیلی مورد بررسی قرار می گیرند تا نتایج معتبر و قابل اتکا حاصل شود. در نهایت، مقاله با بحث و تفسیر نتایج، تبیین پیامدهای نظری و عملی، و ارائه جمع بندی و نتیجه گیری نهایی خاتمه می یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی دو پدیده مهم در مدیریت مالی و حاکمیت شرکتی هستند که می توانند بر عملکرد و ریسک شرکت تأثیر بگذارند. تحقیقات نشان می دهند که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد (ویلسون^۱، ۲۰۰۹؛ دسای و دارماپالا^۲، ۲۰۰۶). به طور کلی، انحراف استراتژیک با افزایش احتمال اجتناب مالیاتی همراه است، زیرا مدیران این شرکت ها تمایل بیشتری به ریسک پذیری و استفاده از روش های غیرمعارف دارند. با این حال، تأثیر این رابطه به عوامل دیگری مانند ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی و محیط نظارتی نیز بستگی دارد (آرمسترانگ و همکاران^۳، ۲۰۱۲؛ بادر تسچر و همکاران^۴، ۲۰۱۳؛ دیرنگ و همکاران^۵، ۲۰۱۳؛ هانلون و هایتمن^۶، ۲۰۱۰؛ حسن و همکاران^۷، ۲۰۲۱).

انحراف استراتژیک مقایسه عملکرد شرکت های منحرف با هنجارهای صنعت را برای سهامداران دشوارتر می کند (کارپنتر^۸، ۲۰۰۰؛ لیتوف و همکاران^۹، ۲۰۱۲)، که منجر به افزایش هزینه های پردازش اطلاعات و ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران می شود. عدم تقارن اطلاعاتی منجر به یک محیط اطلاعاتی مبهم می شود که مدیران فرصت طلب را قادر می سازد منابع را واگرا کرده و پول نقد حفظ شده ناشی از اجتناب مالیاتی را برای منافع شخصی مصرف کنند. بنابراین، استدلال می کنیم شرکت هایی که استراتژی های انحرافی دارند، رفتار خودخواهانه را به قیمت منافع سهامداران دنبال می کنند (جنسن^{۱۰}، ۱۹۸۶؛ جنسن و مکلینگ^{۱۱}، ۱۹۷۶). بنابراین، شرکت های انحرافی احتمالاً به دلایل فرصت طلبانه از مالیات اجتناب می کنند. با توجه به اینکه برنامه ریزی مالیاتی مستلزم هزینه بالایی است (گالمور و لابرو^{۱۲}، ۲۰۱۵) و شرکت های دارای انحراف استراتژیک احتمالاً به دلیل مشکل عدم تقارن اطلاعاتی بالا از نظر مالی محدود می شوند، بعید است که انحراف داشته باشند. شرکت ها توانایی سرمایه گذاری منابع قابل توجه در فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی را خواهند داشت. بنابراین، شرکت های دارای انحراف استراتژیک ممکن است در فعالیت های اجتناب مالیاتی کمتر شرکت کنند. در این پژوهش، ما دیدگاه اصطکاک نمایندگی ناشی از عدم تقارن اطلاعات را در نظر می گیریم و استدلال می کنیم که شرکت های دارای انحراف استراتژیک احتمالاً از مالیات اجتناب

¹ Wilson

² Desai and Dharmapala

³ Armstrong et al.

⁴ Badertscher et al.

⁵ Dyreng et al.

⁶ Hanlon and Heitzman

⁷ Hasan et al.

⁸ Carpenter

⁹ Litov et al.

¹⁰ Jensen

¹¹ Jensen and Meckling

¹² Gallemore and Labro

می کنند (حبیب و همکاران^۱، ۲۰۲۳). در همین راستا انتظار می رود که بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت رابطه مثبتی وجود داشته باشد.

به منظور بررسی بیشتر رابطه بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی، نقش تعدیلی محدودیت مالی را مورد بررسی قرار می دهیم. در شرکت های دارای مشکل محدودیت تأمین مالی، اجتناب مالیاتی بهترین و راحت ترین ابزار برای تأمین مالی داخلی محسوب می شود (ادواردز و همکاران^۲، ۲۰۱۶؛ ویلسون، ۲۰۰۹) به دلیل اینکه تأمین مالی خارجی زمانبر و گران است (لاو میلز^۳، ۲۰۱۵)، و دسترسی به آن با پیچیدگیها و چالش های زیادی همراه است (حبیب و همکاران، ۲۰۲۱). شرکت دارای انحراف استراتژیک به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی و ابهام اطلاعاتی ناشی از متفاوت بودن از همتایان خود در صنعت، با احتمال بالایی در تأمین مالی با مشکل مواجه می شوند (دیپ هاوس^۴، ۱۹۹۹؛ لیتوف و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، شرکت هایی که با انحراف استراتژیک مواجه هستند به احتمال بالا از مالیات اجتناب به عنوان ابزاری برای تأمین مالی بهره می گیرند (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳). لذا انتظار می رود که محدودیت مالی بر ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت داشته باشد.

تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت یکی از موضوعات مهم در حوزه حاکمیت شرکتی و مدیریت مالی است. در این رابطه، تحقیقات مختلف نشان داده اند که مالکیت نهادی می تواند به عنوان یک مکانیسم نظارتی عمل کند و بر تصمیمات مدیریتی، از جمله انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی، تأثیر بگذارد (ال گاززار^۵، ۱۹۹۸). سهامداران نهادی به دلیل تخصص و منابعی که در اختیار دارند، می توانند بر تصمیمات مدیریت نظارت کنند و از اقدامات پرریسک مانند اجتناب مالیاتی بیش از حد جلوگیری کنند. در این حالت، مالکیت نهادی ممکن است رابطه مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی را تضعیف کند، زیرا نهادها ترجیح می دهند شرکت از روش های مالیاتی پایدارتر و کم ریسک تر استفاده کند (شلیفر و ویشنی^۶، ۱۹۸۶؛ حبیب و همکاران، ۲۰۲۳). براساس استدلال فوق انتظار می رود که مالکیت نهادی بر ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر منفی داشته باشد. تحقیقات انجام شده در زمینه اجتناب مالیاتی شرکت ها نشان می دهد که عوامل مختلفی از جمله حاکمیت شرکتی، مالکیت، مسئولیت اجتماعی و انحراف استراتژیک می توانند بر رفتار مالیاتی بنگاه ها تأثیرگذار باشند. در ایران، ناظمی و پورعنا^۷ (۱۳۹۷)، بررسی کردند که شرکت های خانوادگی نسبت به سایر شرکت ها سطح اجتناب مالیاتی کمتری دارند و درصد سهام متعلق به مدیرعامل در این شرکت ها با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت دارد. علاوه بر این، نقش نظارتی هیئت مدیره می تواند این رابطه را تعدیل کند، به طوری که استقلال و اندازه هیئت مدیره رابطه را تشدید و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره آن را تضعیف می کند.

رضائی پیتته نوئی و همکاران (۱۳۹۸)، نیز نشان دادند که اعتماد اجتماعی موجب کاهش اجتناب مالیاتی می شود و حاکمیت شرکتی می تواند این رابطه را تضعیف کند. جلالی و همکاران (۱۳۹۹)، با تمرکز بر عدم اطمینان محیطی و مالکیت نهادی دریافتند که عدم اطمینان محیطی به طور مستقیم موجب افزایش اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی اثر معکوس بر آن دارد. نتایج پژوهش خوشکار و همکاران (۱۴۰۰)، نشان می دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و مسئولیت پذیری اجتماعی این رابطه منفی را تقویت می کند.

¹ Habib et al.

² Edwards et al.

³ Law and Mills

⁴ Deephouse

⁵ El-Gazzar

⁶ Shleifer and Vishny

مطالعات بعدی نیز به نقش مالکیت و حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند. شهسوارزاده و همکاران (۱۴۰۱)، تأکید کردند که نوع مالکیت سهامداران (نهادی یا خرد) بر رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌ها اثرگذار است و رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌ها معکوس و معنادار است. خرم‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، نیز نشان دادند که کیفیت حاکمیت شرکتی می‌تواند به عنوان میانجی، رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل کند. بارانی بره‌بی‌چاست و براتی (۱۴۰۲)، به اهمیت عملکرد پایدار اجتماعی پرداختند و گزارش کردند که شرکت‌های دارای عملکرد پایدار اجتماعی بالاتر، تمایل کمتری به اجتناب مالیاتی دارند.

مطالعات مرتبط با انحراف استراتژیک نیز نشان می‌دهند که استراتژی‌های شرکت می‌تواند بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای مالیاتی اثرگذار باشد. طاهری و قبادی اسکلی (۱۴۰۲)، دریافتند که شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، تمایل به انتخاب حسابرسان با کیفیت دارند و این اقدام می‌تواند به کاهش هزینه سرمایه و افزایش ارزش بازار منجر شود، اگرچه تأثیر آن بر مدیریت سود و تمرکز سرمایه محدودتر است. همچنین، نوش‌آذر و همکاران (۱۴۰۳)، نشان دادند که تبلیغات شرکت‌ها می‌تواند از طریق شکل‌دهی تصویر شرکت، موجب کاهش اجتناب مالیاتی شود و همپوشانی رئیس کمیته حسابرسی این اثر را تضعیف می‌کند. میرزادزارع و همکاران (۱۴۰۳)، نیز اثر تورش‌های رفتاری مدیران مانند بیش‌اطمینانی و کوتاه‌نظری را بر اجتناب مالیاتی بررسی کردند و نشان دادند که این تورش‌ها رابطه مستقیم مثبت، و خوش‌بینی رابطه معکوس با اجتناب مالیاتی دارد.

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌ها نیز اهمیت حاکمیت شرکتی، مالکیت نهادی و انحراف استراتژیک را در تعیین رفتار مالیاتی شرکت‌ها تأیید کرده‌اند. کانگ‌تویه و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، نشان دادند که انحراف استراتژیک با همزمانی بازده سهام رابطه منفی دارد و مالکیت بلوکی و پیش‌بینی‌های مدیریتی این رابطه را واسطه می‌کنند. کوورمن و ولته^۲ (۲۰۱۹)، گزارش کردند که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی می‌توانند اجتناب مالیاتی را به سطح بهینه هدایت کنند، اما نظریه کلاسیک نمایندگی به تنهایی قادر به توضیح کامل آن نیست.

تحقیقات اخیر نیز بر نقش سرمایه‌گذاران نهادی و عملکرد پایدار شرکت‌ها تمرکز دارند. لی و همکاران^۳ (۲۰۲۱)، نشان دادند که کاهش توجه سرمایه‌گذاران نهادی موجب افزایش اجتناب مالیاتی موقت می‌شود و این اثر در محیط‌های اطلاعاتی شفاف و با حاکمیت داخلی ضعیف‌تر بیشتر است. دخلی^۴ (۲۰۲۲)، نیز نشان داد که مالکیت نهادی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و مسئولیت اجتماعی شرکت به عنوان میانجی، این اثر را تعدیل می‌کند. ولته^۵ (۲۰۲۳)، گزارش کرد که سرمایه‌گذاران نهادی پایدار تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارند و عملکرد پایدار شرکت این اثر را تقویت می‌کند.

در حوزه انحراف استراتژیک، شارلین چن و همکاران^۶ (۲۰۲۳)، و منگ کیانگ و همکاران^۷ (۲۰۲۳)، نشان دادند که انحراف استراتژیک بر تخصیص منابع، استفاده از اعتبار تجاری و عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد و نقش تامین مالی اعتبار تجاری به عنوان کانال اثرگذاری آن اهمیت دارد. حبیب و همکاران^۸ (۲۰۲۳)، نیز تأکید کردند که انحراف استراتژیک با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت دارد و این رابطه در شرکت‌هایی با محدودیت‌های مالی بالا، مالکیت نهادی پایین و فعالیت در بازارهای رقابتی قوی‌تر است.

¹ Kangtao Ye et al.

² Kovermann & Velte

³ Li et al.

⁴ Dakhli

⁵ Velte

⁶ Charlene Chen et al

⁷ Meng Qiang et al.

⁸ Habib et al.

به طور کلی، پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تحت تأثیر عواملی چون حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، مسئولیت اجتماعی، تبلیغات، تورش‌های رفتاری و انحراف استراتژیک قرار دارد. همچنین، تعامل میان این عوامل، مانند نقش میانجی مسئولیت اجتماعی یا کیفیت حاکمیت، می‌تواند شدت یا جهت اثرگذاری آنها بر اجتناب مالیاتی را تغییر دهد. این یافته‌ها زمینه مناسبی برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌آورد که به بررسی رابطه پیچیده میان حاکمیت شرکتی، استراتژی، مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی بپردازند. براساس مبانی نظری و مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط، فرضیه‌های پژوهش در ادامه به شرح زیر ارائه می‌شوند:

فرضیه ۱: انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۲: محدودیت مالی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۳: مالکیت نهادی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-همبستگی است و روابط بین متغیرها را با استفاده از تحلیل رگرسیون بررسی می‌کند. داده‌ها از نوع پس‌رویدادی و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ است. اطلاعات پژوهش از طریق روش کتابخانه‌ای (مرور ادبیات و پیشینه پژوهش) و روش اسنادی (نرم‌افزار ره‌آورد نوین، سایت کدال و گزارش‌های حسابرسی) جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران است و برای تعیین نمونه آماری، از روش غربالگری استفاده شد و شرکت‌هایی که سال مالی منتهی به اسفند داشته، تغییر سال مالی نداشته‌اند، جز صنایع سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نبوده، داده‌های مالی آنها در دسترس بوده و معاملات سهامشان مستمر بوده است، انتخاب شدند. بر این اساس، ۱۴۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس تهران به عنوان نمونه پژوهش تعیین گردیدند.

تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی میانگین، میانه، حداقل، حداکثر، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی، و آمار استنباطی است. در بخش استنباطی، همبستگی بین متغیرها با استفاده از ضرایب پیرسون یا اسپیرمن بررسی شد و مدل‌های پژوهش با رگرسیون چندمتغیره داده‌های پنل برآورد گردید. پیش از تخمین مدل‌ها، مانایی متغیرها و مفروضات کلاسیک رگرسیون شامل همسانی واریانس، عدم خودهمبستگی و عدم هم‌خطی سنجیده شد. انتخاب مدل اثرات ثابت یا تصادفی با آزمون هاسمن و نحوه ترکیب داده‌ها با آزمون F لیمر تعیین شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای Excel و Eviews 13 انجام شد و معناداری مدل‌ها و ضرایب با آماره‌های F و t ارزیابی گردید.

مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

به پیروی از پژوهش حبیب و همکاران (۲۰۲۴)، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره زیر بهره گرفته می‌شود:

مدل آزمون فرضیه ۱:

رابطه (۱):

$$\text{AVOIDit} = \beta_0 + \beta_1 \text{STR_DEVit} + \beta_2 \text{SIZEit} + \beta_3 \text{LEVit} + \beta_4 \text{MTBit} + \beta_5 \text{ROAit} + \beta_6 \text{INTANit} + \beta_7 \text{CASHit} + \beta_8 \text{NOLit} + \beta_9 \text{TANGit} + \beta_{10} \text{EQINCit} + \text{eit}$$

مدل آزمون فرضیه ۲:

رابطه (۲):

$$\text{AVOIDit} = \beta_0 + \beta_1 \text{STR_DEVit} + \beta_2 \text{FIN_CONSit} + \beta_3 \text{STR_DEVit} \times \text{FIN_CONSit} + \beta_4 \text{SIZEit} + \beta_5 \text{LEVit} + \beta_6 \text{MTBit} + \beta_7 \text{ROAit} + \beta_8 \text{INTANit} + \beta_9 \text{CASHit} + \beta_{10} \text{NOLit} + \beta_{11} \text{TANGit} + \beta_{12} \text{EQINCit} + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه ۳:

رابطه (۳):

$$\text{AVOIDit} = \beta_0 + \beta_1 \text{STR_DEVit} + \beta_2 \text{INST_OWNit} + \beta_3 \text{STR_DEVit} \times \text{INST_OWNit} + \beta_4 \text{SIZEit} + \beta_5 \text{LEVit} + \beta_6 \text{MTBit} + \beta_7 \text{ROAit} + \beta_8 \text{INTANit} + \beta_9 \text{CASHit} + \beta_{10} \text{NOLit} + \beta_{11} \text{TANGit} + \beta_{12} \text{EQINCit} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل های فوق، AVOID: اجتناب مالیاتی شرکت؛ STRA_DEV: انحراف استراتژیک؛ FIN_CONS: محدودیت مالی؛ INST_OWN: مالکیت نهادی؛ SIZE: اندازه شرکت؛ LEV: اهرم مالی؛ MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری؛ ROA: بازده دارایی ها؛ INTAN: نسبت دارایی های نامشهود؛ CASH: نسبت وجوه نقد؛ NOL: زیان ده بودن شرکت؛ TANG: نسبت دارایی های مشهود؛ EQINC: نسبت سود انباشته.

روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی شرکت (AVOID): به منظور سنجش اجتناب مالیاتی از معیار نرخ موثر مالیاتی استفاده می شود که از طریق تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات بدست می آید. از آنجا که بین نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی وجود دارد (به عبارتی، با افزایش اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی کاهش می یابد) لذا برای خنثی کردن این رابطه معکوس، مقدار نرخ مؤثر مالیاتی در عدد منفی یک ضرب می شود. در حالت کلی، اجتناب مالیاتی از طریق تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات ضربدر منفی یک اندازه گیری می شود.

متغیر مستقل

انحراف استراتژیک (STRA_DEV): به پیروی از تانک و همکاران (۲۰۱۱)، یوان و همکاران (۲۰۱۶)؛ دونگ و همکاران (۲۰۲۱)، و حبیب و همکاران (۲۰۲۳)، و مطابق با پژوهش مشایخی و همکاران (۱۳۹۷)، از مدل بومی شده و بر مبنای شاخص های تعدیل شده به شرح ذیل استفاده خواهد شد:

برای اندازه گیری آن انحراف استراتژیک، نخست چهار معیار شدت سرمایه (نسبت دارایی ثابت به کل فروش)، نوسازی اموال، تجهیزات و ماشین آلات (نسبت خالص دارایی ثابت به ناخالص دارایی ثابت)، کارایی سربار (نسبت هزینه های اداری و تشکیلاتی به کل فروش) و اهرم مالی (نسبت بدهی های بهره دار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) محاسبه می گردد. سپس، برای هر کدام از معیارهای فوق الذکر در قالب سال-صنعت، نمره معیار یا استاندارد (کسر نمودن میانگین هر معیار از مقدار آن معیار و تقسیم نمودن عدد به دست آمده بر انحراف استاندارد آن معیار) برای تک تک شرکت های آن صنعت در سال موردنظر محاسبه می گردد. در نهایت، نمره انحراف استراتژیک برای تک تک شرکت های آن صنعت در سال موردنظر، از طریق میانگین قدرمطلق نمرات استاندارد شده چهار معیار مورد اشاره محاسبه می شود. هر چه معیار مذکور بیشتر باشد، نشان دهنده انحراف بالاتر استراتژی آن شرکت از استراتژی متداول در آن صنعت خواهد بود.

متغیرهای تعدیل گر

محدودیت مالی (FIN_CONS): به پیروی از پژوهش های پیشین (ال متقی و سلامه، ۲۰۲۳؛ لینک و همکاران، ۲۰۱۳؛ دوچین، ۲۰۱۰؛ هان و همکاران، ۲۰۱۳) به منظور اندازه گیری محدودیت های مالی شرکت از شاخص کاپلان و زینگالس (۱۹۹۷)، بهره گرفته می شود که به شرح زیر می باشد:
رابطه (۴):

$$KZ = -1.001909*(Cash\ Flow/K) + 0.2826389*TobinQ + 3.139193*(Debt/Total\ Capital) - 39.3678*(Dividends/K) - 1.314759*(Cash/K)$$

که در آن:

KZ: امتیاز شاخص KZ

Cash Flow/K: نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی بر دارایی های ثابت ابتدای دوره

TobinQ: شاخص کیوتوبین که از طریق تقسیم ارزش بازار دارایی ها (ارزش بازار سهام + ارزش دفتری بدهی ها) بر ارزش دفتری دارایی ها بدست می آید.

Debt/Total Capital: نسبت کل بدهی به کل دارایی

Dividends/K: نسبت سود سهام پرداختی بر دارایی های ثابت ابتدای دوره

Cash/K: نسبت وجوه نقد به کل دارایی های ثابت ابتدای دوره

شرکت های با امتیاز شاخص KZ بالاتر به احتمال بیشتر با مشکلات تأمین مالی مواجه هستند. بنابراین شرکت های با شاخص KZ بالاتر (کمتر) از میانه نمونه به عنوان شرکت های با محدودیت مالی (بدون محدودیت مالی) در نظر گرفته می شوند.

مالکیت نهادی (INST_OWN): از طریق تقسیم تعداد سهام تحت تملک سهامداران نهادی بر کل تعداد سهام منتشره شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

اهرم مالی (LEV): از طریق تقسیم کل بدهی های شرکت بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): از طریق تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

بازده دارایی ها (ROA): از طریق تقسیم سود خالص بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

نسبت دارایی های نامشهود (INTAN): از طریق تقسیم دارایی های نامشهود بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

نسبت وجوه نقد (CASH): از طریق تقسیم وجوه نقد بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

زیان ده بودن شرکت (NOL): یک متغیر ساختگی است در صورتی که شرکت در سال جاری زیان گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

نسبت دارایی های مشهود (TANG): از طریق تقسیم دارایی های مشهود بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

نسبت سود انباشته (EQINC): از طریق تقسیم سود انباشته بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود (حبیب و همکاران، ۲۰۲۳؛ سن و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در جدول (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. با توجه به پنل الف نتایج نشان می دهد که میانگین متغیر اجتناب مالیاتی در شرکت های مورد بررسی ۰.۱۰۱- می باشد که با توجه به انحراف معیار (۰.۰۸۴) از نوسان پذیرگی نسبتاً پایینی برخوردار است. میانگین متغیر انحراف استراتژیک در شرکت های مورد بررسی ۰.۴۹۱ می باشد که با توجه به انحراف معیار (۰.۱۹۱) از نوسان پذیرگی پایینی برخوردار است. میانگین متغیر اهرم مالی ۰.۵۵۳ می باشد که نشان دهنده این است که به طور متوسط ۵۵.۳٪ منابع مالی شرکت ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است. میانگین متغیر بازده دارایی ها ۰.۱۳۶ که با توجه به انحراف معیار (۰.۱۳۷) از نوسان پذیرگی نسبتاً بالایی برخوردار می باشد. با توجه به پنل ب نتایج نشان می دهد که ۱۱.۲٪ شرکت ها در طی دوره مورد بررسی زیان ده هستند.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل الف: متغیرهای پیوسته							
انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	تعداد مشاهدات	نماد	نام متغیر
۰.۰۸۴	-۰.۲۳۶	۰.۰۰۰	-۰.۱۰۴	-۰.۱۰۱	۱۴۸۰	AVOID	اجتناب مالیاتی شرکت
۰.۱۹۱	۰.۱۱۵	۰.۷۵۷	۰.۵۱۹	۰.۴۹۱	۱۴۸۰	STR_DEV	انحراف استراتژیک
۰.۲۰۵	۰.۱۲۶	۰.۸۶۳	۰.۵۱۰	۰.۴۹۲	۱۴۸۰	INST_OWN	مالکیت نهادی
۱.۵۰۷	۱۲.۴۴۴	۱۸.۱۱۷	۱۴.۷۴۱	۱۴.۹۳۹	۱۴۸۰	SIZE	اندازه شرکت
۰.۲۰۴	۰.۱۷۹	۰.۹۱۲	۰.۵۵۶	۰.۵۵۳	۱۴۸۰	LEV	اهرم مالی
۷.۴۵۲	۰.۸۳۸	۲۸.۹۶۱	۴.۴۴۲	۷.۲۰۶	۱۴۸۰	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰.۱۳۷	-۰.۱۰۱	۰.۴۱۸	۰.۱۱۵	۰.۱۳۶	۱۴۸۰	ROA	بازده دارایی ها
۰.۰۰۴	۰.۰۰۱	۰.۰۱۶	۰.۰۰۲	۰.۰۰۳	۱۴۸۰	INTAN	نسبت دارایی های نامشهود
۰.۰۳۹	۰.۰۰۳	۰.۱۴۵	۰.۰۲۹	۰.۰۴۳	۱۴۸۰	CASH	نسبت وجه نقد
۰.۱۷۵	۰.۰۳۶	۰.۶۳۷	۰.۲۰۵	۰.۲۴۸	۱۴۸۰	TANG	نسبت دارایی های مشهود

نسبت سود انباشته	EQINC	۱۴۸۰	۰.۱۵۶	۰.۱۶۶	۰.۵۱۹	-۰.۲۸۴	۰.۲۰۶	
پنل ب: متغیرهای دو ارزشی								
متغیر	نماد	نوع طبقه	فراوانی	درصد فراوانی				
محدودیت مالی	FIN_CONS	۱	۷۴۰	۵۰٪				
		۰	۷۴۰	۵۰٪				
زیان ده بودن شرکت	NOL	۱	۱۶۶	۱۱.۲٪				
		۰	۱۳۱۴	۸۸.۸٪				

ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

با توجه به جدول (۲) نتایج بدست آمده از جدول ضریب همبستگی نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، انحراف استراتژیک، محدودیت مالی، اهرم مالی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، نسبت دارایی های نامشهود، نسبت وجه نقد، زیان ده بودن شرکت و نسبت دارایی های مشهود با اجتناب مالیاتی شرکت همبستگی مستقیم (مثبت) و معناداری دارند. در حالی که، مالکیت نهادی، اندازه شرکت، بازده دارایی ها و نسبت سود انباشته با اجتناب مالیاتی شرکت همبستگی معکوس (منفی) و معناداری دارد.

جدول (۲): ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)	(۱۳)
(۱)	AVOID	۱.۰۰۰												
	احتمال	-----												
(۲)	STR_DEV	۰.۲۱۷	۱.۰۰۰											
	احتمال	۰.۰۰۰	-----											
(۳)	FIN_CONS	۰.۱۵۵	۰.۳۵۵	۱.۰۰۰										
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-----										
(۴)	INST_OWN	-۰.۱۴۹	-۰.۰۷۳	۰.۰۰۹	۱.۰۰۰									
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۵	۰.۰۲۰	-----									
(۵)	SIZE	-۰.۱۴۷	-۰.۰۶۸	۰.۰۱۳	-۰.۰۰۶	۱.۰۰۰								
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۹	۰.۰۶۹	۰.۸۲۸	-----								
(۶)	LEV	۰.۱۵۱	۰.۲۰۲	۰.۰۶۵	۰.۰۶۱	-۰.۰۳۳	۱.۰۰۰							
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۱۲	۰.۰۱۹	۰.۲۱۱	-----							
(۷)	MTB	۰.۱۵۵	۰.۱۷۰	۰.۰۷۷	-۰.۰۴۰	-۰.۰۰۲	۰.۰۳۶	۱.۰۰۰						
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۳	۰.۱۲۲	۰.۹۴۴	۰.۱۶۸	-----						
(۸)	ROA	-۰.۲۸۴	-۰.۱۷۹	-۰.۲۷۶	-۰.۰۷۰	۰.۲۲۸	-۰.۵۸۷	۰.۲۲۵	۱.۰۰۰					
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-----					
(۹)	INTAN	۰.۱۳۴	۰.۱۸۱	۰.۱۰۹	۰.۰۲۲	-۰.۱۴۸	۰.۰۹۴	۰.۰۵۳	-۰.۰۷۵	۱.۰۰۰				
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۴۰۶	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۴۱	۰.۰۰۴	-----				
(۱۰)	CASH	۰.۰۷۶	۰.۱۹۲	-۰.۰۱۱	-۰.۰۲۲	۰.۰۱۲	-۰.۱۰۲	۰.۱۹۷	۰.۱۹۸	-۰.۰۴۰	۱.۰۰۰			
	احتمال	۰.۰۰۳	۰.۰۰۰	۰.۶۶۴	۰.۴۰۲	۰.۶۵۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۲۴	-----			
(۱۱)	NOL	۰.۴۵۴	-۰.۱۴۵	۰.۱۹۳	۰.۰۳۵	-۰.۰۸۲	۰.۳۲۹	-۰.۱۱۲	-۰.۵۴۷	۰.۰۳۱	-۰.۰۱۴	۱.۰۰۰		
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۷۷	۰.۰۰۲	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۲۲۸	۰.۵۸۷	-----		
(۱۲)	TANG	۰.۱۱۷	-۰.۲۰۸	۰.۴۵۸	۰.۰۲۳	-۰.۰۷۶	-۰.۱۴۱	-۰.۰۸۷	-۰.۲۰۳	۰.۱۹۳	-۰.۱۲۶	۰.۱۴۱	۱.۰۰۰	
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۳۷۹	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-----	
(۱۳)	EQINC	-۰.۲۵۷	-۰.۱۷۶	-۰.۳۱۷	-۰.۰۷۴	۰.۰۲۰	-۰.۶۶۲	۰.۱۴۰	۰.۸۸۳	-۰.۰۹۷	۰.۱۶۲	-۰.۴۹۵	-۰.۲۲۸	۱.۰۰۰
	احتمال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۴	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-----

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

با توجه به جدول (۳) براساس آزمون «لوین، لین و چو» چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵٪ بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. همانگونه که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم جمعی وجود ندارد. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت در رگرسیون کاذب معنی‌دار ضرایب به صورت کاذب است.

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	لوین، لین و چو		نماد	متغیرها
	احتمال	آماره		
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۷.۴۶۲۲	AVOID	اجتناب مالیاتی شرکت
مانا	۰.۰۰۰۰	-۲۳.۲۸۳۸	STR_DEV	انحراف استراتژیک
مانا	۰.۰۰۰۰	-۶.۷۵۱۴	FIN_CONS	محدودیت مالی
مانا	۰.۰۰۰۰	-۲۹.۵۵۰۴	INST_OWN	مالکیت نهادی
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۳.۷۹۱۷	SIZE	اندازه شرکت
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۲.۷۶۸۲	LEV	اهرم مالی
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۷.۳۱۸۰	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۰.۸۰۶۵	ROA	بازده دارایی‌ها
مانا	۰.۰۰۰۰	-۴.۱۵۳۹	INTAN	نسبت دارایی‌های نامشهود
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۷.۱۵۲۷	CASH	نسبت وجه نقد
مانا	۰.۰۰۱۱	-۳.۰۶۴۱	NOL	زیان ده بودن شرکت
مانا	۰.۰۰۰۰	-۱۷.۵۲۸۳	TANG	نسبت دارایی‌های مشهود
مانا	۰.۰۰۰۰	-۸.۸۱۰۶	EQINC	نسبت سود انباشته

آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی می‌باشد. اما قبل از تخمین مدل‌ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون‌های هاسمن و F لیمر استفاده شده است. همانطور که در جدول (۴) منعکس گردیده، احتمال F لیمر هر سه مدل پژوهش بیشتر از ۵٪ می‌باشد لذا برای تخمین هر سه مدل از روش تلفیقی استفاده می‌شود. همچنین با توجه به اینکه به منظور تخمین کلیه مدل‌های پژوهش از روش تلفیقی استفاده می‌گردد نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

مدل	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
اول	F لیمر	۰.۹۲۳۱	۰.۵۰۳۸	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.		
دوم	F لیمر	۰.۹۰۰۹	۰.۵۲۳۶	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.		
سوم	F لیمر	۰.۹۲۰۳	۰.۵۰۶۳	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.		

بررسی مفروضات مدل رگرسیون خطی

مجموعه ای از فروض، تحت عنوان فروض کلاسیک وجود دارد که در مورد جمله باقیمانده (یا خطای مدل) مطرح می گردند. برای اینکه در مدل رگرسیون خطی، تخمین زن های ضرایب رگرسیون، بهترین تخمین زن های بدون تورش خطی باشند، لازم است تا مفروضات این مدل بررسی و آزمون شوند. لذا در ادامه، نحوه آزمون این مفروضات بیان شده و سپس نتایج حاصل از برآوردهای انجام شده تشریح می گردد.

ثابت بودن واریانس جمله خطا (باقیمانده ها)

در این پژوهش فرض همسانی واریانس باقیمانده ها از طریق آزمون وایت^۱ مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج آن در جدول (۵) نشان می دهد که در هر سه مدل فرض صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد می شود. بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می کنیم.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	۸.۵۹۷۴	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
دوم	۷.۰۵۰۷	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
سوم	۶.۵۱۰۳	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا

عدم وجود خود همبستگی جمله خطا (باقیمانده ها)

در این پژوهش برای بررسی استقلال باقیمانده ها از آزمون خود همبستگی سریالی بروش-گادفری استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر بیانگر عدم وجود خود همبستگی می باشد و فرض مقابل بیانگر وجود خود همبستگی سریالی بین خطاها می باشد. با توجه به جدول (۶) نتایج حاصل از آزمون نشان می دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال آماره F در هر سه مدل بیشتر از ۵٪ می باشد فرض صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در هر سه مدل پذیرفته می شود به عبارت دیگر، در هر سه مدل فرض عدم وجود خود همبستگی جزء خطا برقرار است.

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	۰.۸۷۳۸	۰.۴۲۰۱	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
دوم	۱.۰۷۱۷	۰.۳۴۵۷	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
سوم	۰.۷۱۵۴	۰.۴۹۱۱	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی

در پژوهش حاضر برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس^۲ (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می باشد. با توجه به جداول (۷) تا (۹) نتایج حاصل از این آزمون نشان می دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل های پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
انحراف استراتژیک	STR_DEV	۰.۰۰۰۳۵۰	۲.۶۱۶۱۴۸

¹ White

² Variance Inflation Factor (VIF)

۱.۲۲۷۴۷۵	۰.۰۰۰۱۹۱	SIZE	اندازه شرکت
۲.۴۴۰۸۵۱	۰.۰۰۰۲۰۷	LEV	اهرم مالی
۱.۰۸۵۷۷۲	۰.۰۰۰۶۹۳	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۲.۳۴۷۶۷۰	۰.۰۰۰۸۲۱	ROA	بازده دارایی ها
۱.۰۸۶۴۷۵	۰.۲۱۰۰۹۵	INTAN	نسبت دارایی های نامشهود
۱.۱۴۶۰۶۲	۰.۰۰۲۶۱۱	CASH	نسبت وجه نقد
۱.۵۱۵۰۸۴	۰.۰۰۰۵۳۹	NOL	زیان ده بودن شرکت
۳.۲۸۶۸۲۸	۰.۰۰۰۳۸۲	TANG	نسبت دارایی های مشهود
۲.۲۲۹۳۶۰	۰.۰۰۰۴۳۶	EQINC	نسبت سود انباشته

جدول (۸): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
انحراف استراتژیک	STR_DEV	۰.۰۰۰۴۰۹	۲.۲۵۰۲۶۸
محدودیت مالی	FIN_CONS	۰.۰۰۰۱۴۳	۱.۱۲۲۹۱۸
انحراف استراتژیک*محدودیت مالی	STR_DEV*FIN_CONS	۰.۰۰۰۴۷۵	۳.۳۸۹۸۱۲
اندازه شرکت	SIZE	۰.۰۰۰۱۹۴	۱.۲۴۹۳۳۸
اهرم مالی	LEV	۰.۰۰۰۲۰۹	۲.۴۸۰۳۴۹
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰.۰۰۰۷۱۱	۱.۱۲۰۸۷۰
بازده دارایی ها	ROA	۰.۰۰۰۸۲۲	۲.۳۷۹۹۹۲
نسبت دارایی های نامشهود	INTAN	۰.۲۱۱۴۱۶	۱.۱۰۰۱۹۸
نسبت وجه نقد	CASH	۰.۰۰۲۵۹۹	۱.۱۴۸۰۴۸
زیان ده بودن شرکت	NOL	۰.۰۰۰۵۳۹	۱.۵۲۴۹۱۴
نسبت دارایی های مشهود	TANG	۰.۰۰۰۴۳۰	۳.۷۲۰۹۱۰
نسبت سود انباشته	EQINC	۰.۰۰۰۴۴۹	۲.۴۲۵۴۱۰

جدول (۹): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی مدل سوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
انحراف استراتژیک	STR_DEV	۰.۰۰۰۹۸۳	۲.۱۱۳۹۳۴
مالکیت نهادی	INST_OWN	۰.۰۰۰۶۷۵	۱.۹۹۷۸۹۵
انحراف استراتژیک*مالکیت نهادی	STR_DEV*INST_OWN	۰.۰۰۲۳۷۶	۳.۸۷۱۳۳۵
اندازه شرکت	SIZE	۰.۰۰۰۱۹۲	۱.۲۳۰۶۶۵
اهرم مالی	LEV	۰.۰۰۰۲۰۸	۲.۴۴۹۵۵۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰.۰۰۰۶۹۴	۱.۰۸۶۱۱۶
بازده دارایی ها	ROA	۰.۰۰۰۸۲۲	۲.۳۴۸۵۷۶
نسبت دارایی های نامشهود	INTAN	۰.۲۱۰۴۹۲	۱.۰۸۷۱۷۲
نسبت وجه نقد	CASH	۰.۰۰۲۶۱۵	۱.۱۴۶۴۲۰
زیان ده بودن شرکت	NOL	۰.۰۰۰۵۴۰	۱.۵۱۶۱۳۹
نسبت دارایی های مشهود	TANG	۰.۰۰۰۳۸۷	۳.۳۲۵۹۷۰
نسبت سود انباشته	EQINC	۰.۰۰۰۴۳۷	۲.۲۳۴۶۶۶

تخمین مدل ها و آزمون فرضیه های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه ۱ مبنی بر تأثیر انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۰) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰.۰۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱.۹۹۶ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۴۷.۱٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه شرکت، بازده دارایی ها و نسبت سود انباشته بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. در حالی که، اهرم مالی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، نسبت دارایی های نامشهود، نسبت وجه نقد، زیان ده بودن شرکت و نسبت دارایی های مشهود بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر انحراف استراتژیک، 0.094297 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر انحراف استراتژیک در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش انحراف استراتژیک، اجتناب مالیاتی شرکت نیز افزایش می یابد.

جدول (۱۰): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی شرکت روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰.۰۹۸۵۵۰	۰.۰۲۱۷۴۳	۴.۵۳۲۴۷۱	۰.۰۰۰۰۰
انحراف استراتژیک	STR_DEV	۰.۰۹۴۲۹۷	۰.۰۱۵۰۸۰	۶.۲۵۳۳۱۹	۰.۰۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰.۰۰۷۴۹۳	۰.۰۰۱۰۷۷	-۶.۹۵۹۰۳۷	۰.۰۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰.۰۹۲۲۹۹	۰.۰۱۲۰۶۸	۷.۶۴۷۹۴۲	۰.۰۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰.۰۰۰۴۸۷	۰.۰۰۰۲۳۱	۲.۱۱۲۱۲۸	۰.۰۳۴۸
بازده دارایی ها	ROA	-۰.۰۶۳۵۴۵	۰.۰۲۳۵۱۲	-۲.۷۰۲۶۲۶	۰.۰۰۷۰
نسبت دارایی های نامشهود	INTAN	۱.۳۷۷۷۲۳	۰.۳۹۵۸۲۵	۳.۴۸۰۶۳۶	۰.۰۰۰۰۵
نسبت وجه نقد	CASH	۰.۰۷۹۸۵۹	۰.۰۳۹۶۳۵	۲.۰۱۴۸۶۵	۰.۰۴۴۱
زیان ده بودن شرکت	NOL	۰.۱۰۹۲۹۲	۰.۰۰۶۲۹۵	۱۷.۳۶۲۲۸	۰.۰۰۰۰۰
نسبت دارایی های مشهود	TANG	۰.۰۸۶۲۳۰	۰.۰۱۵۴۳۷	۵.۵۸۵۹۳۲	۰.۰۰۰۰۰
نسبت سود انباشته	EQINC	-۰.۱۰۸۲۲۱	۰.۰۱۷۳۰۷	-۶.۲۵۲۸۷۵	۰.۰۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۴۷۱			
دوربین-واتسون		۱.۹۹۶			
آماره F		۸۸.۴۱۸			
احتمال (آماره F)		۰.۰۰۰۰۰			

به منظور آزمون فرضیه ۲ مبنی بر تأثیر محدودیت مالی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۱) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰.۰۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار

است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۱.۹۱۳ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۴۹.۴٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه شرکت، بازده دارایی ها و نسبت سود انباشته بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. در حالی که، اهرم مالی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، نسبت دارایی های نامشهود، نسبت وجه نقد، زیان ده بودن شرکت و نسبت دارایی های مشهود بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی انحراف استراتژیک*محدودیت مالی، 0.064127 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت محدودیت مالی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی انحراف استراتژیک*محدودیت مالی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که محدودیت مالی بر ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر در صورت وجود محدودیت مالی، ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تقویت می گردد.

جدول (۱۱): نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی شرکت روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰.۰۸۹۴۲۸	۰.۰۲۱۵۹۳	۴.۱۴۱۵۸۲	۰.۰۰۰۰
انحراف استراتژیک	STR_DEV	۰.۱۱۴۹۲۷	۰.۰۱۵۳۷۸	۷.۴۷۳۵۰۴	۰.۰۰۰۰
محدودیت مالی	FIN_CONS	۰.۰۲۲۲۹۳	۰.۰۰۹۴۲۸	۲.۳۶۴۶۲۳	۰.۰۱۸۲
انحراف استراتژیک*محدودیت مالی	STR_DEV*FIN_CONS	۰.۰۶۴۱۲۷	۰.۰۱۷۷۰۳	۳.۶۲۲۳۷۹	۰.۰۰۰۳
اندازه شرکت	SIZE	-۰.۰۰۷۲۴۴	۰.۰۰۱۰۸۱	-۶.۷۰۰۷۴۵	۰.۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰.۰۸۹۸۹۱	۰.۰۱۲۲۱۵	۷.۳۵۹۰۶۲	۰.۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰.۰۰۰۵۸۹	۰.۰۰۰۲۳۱	۲.۵۴۵۱۰۷	۰.۰۱۱۰
بازده دارایی ها	ROA	-۰.۰۶۵۰۳۸	۰.۰۲۳۳۲۳	-۲.۷۸۸۵۵۸	۰.۰۰۵۴
نسبت دارایی های نامشهود	INTAN	۱.۲۰۶۲۳۷	۰.۴۰۰۹۰۱	۳.۰۰۸۸۱۴	۰.۰۰۲۷
نسبت وجه نقد	CASH	۰.۰۸۴۴۷۳	۰.۰۳۹۴۴۹	۲.۱۴۱۳۴۵	۰.۰۳۲۴
زیان ده بودن شرکت	NOL	۰.۱۱۰۰۵۵	۰.۰۰۶۲۲۶	۱۷.۶۷۶۱۹	۰.۰۰۰۰
نسبت دارایی های مشهود	TANG	۰.۰۷۹۳۶۹	۰.۰۱۶۴۴۹	۴.۸۲۵۱۹۴	۰.۰۰۰۰
نسبت سود انباشته	EQINC	-۰.۱۰۰۴۲۵	۰.۰۱۷۴۵۳	-۵.۷۵۴۱۴۹	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۴۹۴			
دوربین-واتسون		۱.۹۱۳			
آماره F		۹۴.۹۵۳			
احتمال (آماره F)		۰.۰۰۰۰			

به منظور آزمون فرضیه ۳ مبنی بر تأثیر مالکیت نهادی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۲) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰.۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۱.۹۹۷ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به

ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۴۹.۶٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه شرکت، بازده دارایی ها و نسبت سود انباشته بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. در حالی که، اهرم مالی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، نسبت دارایی های نامشهود، نسبت وجه نقد، زیان ده بودن شرکت و نسبت دارایی های مشهود بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی انحراف استراتژیک*مالکیت نهادی، 0.087737- بوده که نشان دهنده تأثیر منفی مالکیت نهادی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی انحراف استراتژیک*مالکیت نهادی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۳ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که مالکیت نهادی بر ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش مالکیت نهادی، ارتباط مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تضعیف می گردد.

جدول (۱۲): نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی شرکت روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰.۱۰۶۱۴۹	۰.۰۲۴۴۷۲	۴.۳۳۷۵۹۷	۰.۰۰۰۰
انحراف استراتژیک	STR_DEV	۰.۰۹۴۴۰۸	۰.۰۲۵۴۹۲	۳.۷۰۳۴۲۰	۰.۰۰۰۲
مالکیت نهادی	INST_OWN	-۰.۰۶۱۸۴۸	۰.۰۲۳۷۹۳	-۲.۵۹۹۴۴۳	۰.۰۱۰۰
انحراف استراتژیک*مالکیت نهادی	STR_DEV*INST_OWN	-۰.۰۸۷۷۳۷	۰.۰۳۰۶۹۴	-۲.۸۵۸۴۶۴	۰.۰۰۴۷
اندازه شرکت	SIZE	-۰.۰۰۷۵۹۰	۰.۰۰۱۰۷۷	-۷.۰۴۹۳۵۰	۰.۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰.۰۹۳۰۶۰	۰.۰۱۲۰۹۷	۷.۶۹۲۷۰۵	۰.۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰.۰۰۰۴۸۲	۰.۰۰۰۲۳۰	۲.۰۹۰۵۰۶	۰.۰۳۶۷
بازده دارایی ها	ROA	-۰.۰۶۲۷۶۴	۰.۰۲۳۵۱۰	-۲.۶۶۹۶۷۴	۰.۰۰۷۷
نسبت دارایی های نامشهود	INTAN	۱.۳۴۲۹۱۹	۰.۳۹۶۲۵۵	۳.۳۸۹۰۲۸	۰.۰۰۰۷
نسبت وجه نقد	CASH	۰.۰۸۳۳۶۰	۰.۰۳۹۷۰۵	۲.۰۹۹۴۹۹	۰.۰۳۵۹
زیان ده بودن شرکت	NOL	۰.۱۰۹۴۳۱	۰.۰۰۶۲۹۷	۱۷.۳۷۷۸۷	۰.۰۰۰۰
نسبت دارایی های مشهود	TANG	۰.۰۸۳۴۱۹	۰.۰۱۵۶۱۱	۵.۳۴۳۵۱۱	۰.۰۰۰۰
نسبت سود انباشته	EQINC	-۰.۱۰۷۵۱۱	۰.۰۱۷۳۳۴	-۶.۲۰۲۳۷۷	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۴۹۶			
دوربین-واتسون		۱.۹۹۷			
آماره F		۹۵.۹۸۶			
احتمال (آماره F)		۰.۰۰۰۰			

در نهایت خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش به شرح زیر ارائه می گردد:

جدول (۱۳): خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش

فرضیه	شرح فرضیه	نتیجه	نوع تأثیر
فرضیه ۱	انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه	مثبت

فرضیه ۲	محدودیت مالی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه	مثبت
فرضیه ۳	مالکیت نهادی بر ارتباط بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه	منفی

نتیجه گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر انحراف استراتژیک بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و نقش محدودیت مالی و مالکیت نهادی به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌گر در میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ انجام شد. بر اساس تحلیل داده‌های ترکیبی و نتایج حاصل از مدل‌های رگرسیونی، شواهد نشان داد که انحراف استراتژیک تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد. به بیان دیگر، هرچه شرکت‌ها از الگوی استراتژیک متعارف صنعت خود فاصله بگیرند، تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های اجتناب مالیاتی نشان می‌دهند. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که شرکت‌های دارای جهت‌گیری‌های استراتژیک متفاوت و ریسک‌پذیر، برای حفظ منابع مالی و جبران هزینه‌های ناشی از تصمیمات نوآورانه و پرریسک، انگیزه بیشتری برای کاهش بار مالیاتی خود دارند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی از جمله حبیب و همکاران، سن و همکاران و حسن و همکاران (۲۰۲۱؛ ۲۰۱۴) همسو است. نتایج مربوط به فرضیه ۲ نشان داد که محدودیت مالی موجب تقویت رابطه مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود. به بیان دقیق‌تر، شرکت‌هایی که با محدودیت منابع مالی مواجه‌اند، به‌منظور حفظ نقدینگی و تأمین منابع داخلی، تمایل بیشتری به اجتناب از پرداخت مالیات دارند. این یافته با نظریه سلسله‌مراتب تأمین مالی سازگار است که بیان می‌کند شرکت‌ها در شرایط محدودیت مالی، ترجیح می‌دهند منابع داخلی را جایگزین تأمین مالی خارجی کنند و از این‌رو، رفتارهای مالیاتی تهاجمی‌تری اتخاذ می‌کنند. در مقابل، نتایج فرضیه ۳ حاکی از آن است که مالکیت نهادی موجب تضعیف رابطه مثبت بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی می‌شود. درواقع، حضور سرمایه‌گذاران نهادی به‌عنوان ناظران حرفه‌ای بازار سرمایه، از طریق نظارت کارآمدتر بر عملکرد مدیران، می‌تواند از رفتارهای پرریسک و تصمیمات مالیاتی تهاجمی جلوگیری کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های اخیر همچون ولته (۲۰۲۳)، و دخلی همخوانی دارد و بر اهمیت نقش نظارتی مالکیت نهادی در ارتقای شفافیت مالی شرکت‌ها تأکید می‌کند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رفتار مالیاتی شرکت‌ها نه تنها تابع تصمیمات استراتژیک مدیران است، بلکه شرایط مالی و ساختار مالکیت نیز به‌صورت همزمان بر میزان اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. از این‌رو، شناخت روابط میان انحراف استراتژیک، محدودیت مالی و مالکیت نهادی می‌تواند برای تحلیل رفتار مالیاتی شرکت‌ها و تدوین سیاست‌های کارآمد در حوزه مالیاتی و نظارتی مفید واقع شود.

با وجود یافته‌های ارزشمند، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است. نخست آنکه جامعه آماری تحقیق شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و نتایج آن لزوماً قابل تعمیم به سایر شرکت‌های غیربورسی یا صنایع کوچک نیست. دوم، متغیرهای پژوهش بر اساس داده‌های تاریخی و اطلاعات مالی قابل دسترس اندازه‌گیری شده‌اند؛ بنابراین، جنبه‌های کیفی نظیر نگرش مدیران نسبت به ریسک یا فرهنگ سازمانی ممکن است در نتایج لحاظ نشده باشد. همچنین تغییرات اقتصادی و مقررات مالیاتی طی دوره زمانی مطالعه می‌تواند بر رفتار شرکت‌ها اثرگذار بوده باشد.

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده، چند پیشنهاد کاربردی قابل ارائه است. نخست آنکه مدیران شرکت‌ها باید هنگام تدوین استراتژی‌های نوآورانه، آثار مالیاتی تصمیمات خود را نیز مورد توجه قرار دهند تا از مواجهه با ریسک‌های مالیاتی و اعتباری جلوگیری شود. دوم، نهادهای نظارتی و سیاست‌گذاران مالی باید در تدوین مقررات و سیاست‌های مالیاتی، وضعیت نقدینگی و محدودیت مالی شرکت‌ها را مدنظر قرار دهند، زیرا فشار مالی می‌تواند انگیزه اجتناب مالیاتی را

افزایش دهد. سوم، تقویت نقش و مشارکت فعال سرمایه‌گذاران نهادی در نظارت بر عملکرد مالی شرکت‌ها می‌تواند عاملی مؤثر در کاهش رفتارهای مالیاتی پرریسک باشد. در نهایت، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند با در نظر گرفتن ویژگی‌های استراتژیک و ساختاری شرکت‌ها در مدل‌های ارزیابی ریسک مالیاتی، دقت نظارت خود را ارتقا دهد. در پایان، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی نقش متغیرهایی همچون کیفیت حاکمیت شرکتی، شفافیت اطلاعاتی و فرهنگ سازمانی در رابطه بین انحراف استراتژیک و اجتناب مالیاتی بپردازند. همچنین، مطالعات تطبیقی میان صنایع مختلف یا میان کشورها با نظام‌های مالیاتی متفاوت می‌تواند درک عمیق‌تری از سازوکارهای اثرگذار بر رفتار مالیاتی شرکت‌ها فراهم سازد.

منابع

- ✓ بارانی بره بی چاست، میلاد، براتی، مهدی، (۱۴۰۲)، تاثیر عملکرد پایدار اجتماعی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۶، شماره ۸۲، صص ۱۳۶-۱۴۸.
- ✓ جلالی، فاطمه، هشی، عباس، دانشی، وحید، کامرانی، هدی، (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط بین عدم اطمینان محیطی، مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.
- ✓ خرم آبادی، مهدی، لشگرآراء، سهیلا، پورغلامرضا، ندا، (۱۴۰۱)، بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، دوره ۳، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۵.
- ✓ خواجوی، شکراله، محسنی فرد، غلامعلی، رضایی، غلامرضا، حسینی راد، سیدداوود، (۱۳۹۲)، بررسی اثرهای رقابت در بازار محصول بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت دارایی و تامین مالی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۳۳.
- ✓ خوشکار، فرزین، اسلامی ساراب، مجید، کرمی، علی، (۱۴۰۰)، نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۳۸۴-۴۰۱.
- ✓ رضائی پسته نوئی، یاسر، صفری گرایلی، مهدی، نوروزی، محمد، (۱۳۹۸)، مدل بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۲۲۱-۲۴۶.
- ✓ شهسوارزاده، محمد، ناظمی اردکانی، مهدی، عظیمی، آزاد، علیزاده، جواد، (۱۴۰۱)، بررسی تاثیر نوع مالکیت سهامداران (نهادی و خرد) بر رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت‌ها، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۴۵، صص ۲۸۱-۳۰۰.
- ✓ طاهری، ماندانا، قبادی اسکی، سینا، (۱۴۰۲)، تأثیر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای متعاقب آن، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۳۰، شماره ۳، صص ۵۰۶-۵۳۱.
- ✓ عزتی، زیبا، خداداده‌ی شاملو، ناصر، حاجی زاده، مسعود، (۱۴۰۰)، بررسی ارتباط افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش ساختار مالکیت، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۰، صص ۱۳۱-۱۴۶.
- ✓ مختاری، باقر، جابری خسروشاهی، آیناز، (۱۴۰۱)، بررسی تاثیر کنترل‌های داخلی بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش تعدیلگری شهرت شرکت و مالکیت نهادی، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۵، شماره ۶۳، صص ۱۲۰-۱۳۸.

- ✓ مشایخی، بیتا، عمرانی، حامد، آخوندی، امید، (۱۳۹۷)، تخصص شریک حسابرسی در صنعت و کیفیت حسابرسی: نقش استراتژی های صاحبکار، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۲۵.
- ✓ میرزادزارع، مهدی، مشکی میاوقی، مهدی، میربرگ کار، سیدمظفر، (۱۴۰۳)، بررسی اثر تورش های رفتاری بیش اطمینانی، کوتاه نگری و خوش بینی بر اجتناب مالیاتی، پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۲۶۵-۲۹۲.
- ✓ ناظمی، امین، پورعنقا، محمدرضا، (۱۳۹۷)، بررسی نقش نظارتی هیأت مدیره در اجتناب مالیاتی شرکت های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۸۳-۱۰۶.
- ✓ نمازی، محمد، ابراهیمی، شهلا، (۱۳۹۱)، بررسی ارتباط بین ساختار رقابتی بازار محصول و بازده سهام، دانش حسابداری مالی، دوره ۲۰، شماره ۳، صص ۹-۲۷.
- ✓ نمازی، محمد، رضایی، غلامرضا، ممتازیان، علیرضا، (۱۳۹۳)، رقابت در بازار محصول و کیفیت اطلاعات حسابداری، پیشرفت های حسابداری، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۶۶.
- ✓ نمازیان، علی، پورحیدری، امید، زینلی، حدیث، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر فرار مالیاتی و فساد مالیاتی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۵۰۷-۵۳۲.
- ✓ نوش آذر، محسن، جلیلی، محمد، رسولی، حسین، احمدی، زهرا، (۱۴۰۳)، تبلیغات، همپوشانی رئیس کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی: نظریه نمایندگی در برابر نظریه مبتنی بر منابع، دانش حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۹۴، صص ۴۹۲-۵۱۴.
- ✓ Abdulwase, R., Ahmed, F., Nasr, F., Abdulwase, A., Alyousofi, A. & Yan, S. (2020). The role of business strategy to create a competitive advantage in the organization. *Open Access J Sci*, 4(4), 135-138.
- ✓ Armstrong, C. S., Blouin, J. L., & Larcker, D. F. (2012). The incentives for tax planning. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1), 391-411.
- ✓ Babar, M., & Habib, A. (2021). Product market competition in accounting, finance, and corporate governance: A review of the literature. *International Review of Financial Analysis*, 73, 101607.
- ✓ Badertscher, B. A., Katz, S. P., & Rego, S. O. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56(2-3), 228-250.
- ✓ Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99-120.
- ✓ Carpenter, M. A. (2000). The price of change: The role of CEO compensation in strategic variation and deviation from industry strategy norms. *Journal of Management*, 26(6), 1179-1198.
- ✓ Cen, L., Maydew, E. L., Zhang, L., & Zuo, L. (2017). Customer-supplier relationships and corporate tax avoidance. *Journal of Financial Economics*, 123(2), 377-394.
- ✓ Cheng, C. A. A., Huang, H. H., Li, Y., & Stanfield, J. (2012). The effect of hedge fund activism on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 87, 1493-1526.
- ✓ Cheng, C. A., Huang, H. H., Li, Y., & Stanfield, J. (2012). The effect of hedge fund activism on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 87(5), 1493-1526.
- ✓ Dakhli, A. (2022). The impact of ownership structure on corporate tax avoidance with corporate social responsibility as mediating variable. *Journal of Financial Crime*, 29, 836-852.
- ✓ Davis, A. K., Guenther, D. A., Krull, L. K., & Williams, B. M. (2016). Do socially responsible firms pay more taxes? *The Accounting Review*, 91, 47-68.

- ✓ Deephouse, D. L. (1999). To be different, or to be the same? It's a question (and theory) of strategic balance. *Strategic management Journal*, 20(2), 147-166.
- ✓ Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- ✓ Donelson, D. C., Glenn, J. L., & Yust, C. G. (2023). The effect of shareholder scrutiny on corporate tax behavior: Evidence from shareholder tax litigation. *Contemporary Accounting Research*, 41(1), 163-194.
- ✓ Dong, X., Chan, K. C., Cui, Y., & Guan, J. X. (2021). Strategic deviance and cash holdings. *Journal of Business Finance & Accounting*, 48(3-4), 742-782.
- ✓ Duchin, R. 2010. Cash holdings and corporate diversification. *The Journal of Finance* 65 (3): 955-992.
- ✓ Dyreng, S. D., Lindsey, B. P., & Thornock, J. R. (2013). Exploring the role Delaware plays as a domestic tax haven. *Journal of Financial Economics*, 108(3), 751-772.
- ✓ Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E.L., & Thornock, J.R. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years. *Journal of Financial Economics*, 124(3), 441-463.
- ✓ Edwards, A., Schwab, C., & Shevlin, T. (2016). Financial constraints and cash tax savings. *The Accounting Review*, 91(3), 859-881.
- ✓ El Mouttaqui, Hajar and Salama, Feras. (2023). Organizational Form and Audit Pricing (June 1, 2023). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4487339> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4487339>.
- ✓ El-Gazzar, S. M. (1998). Predisclosure information and institutional ownership: A cross-sectional examination of market revaluations during earnings announcement periods. *The Accounting Review*, 73(1), 119-129.
- ✓ EU Tax Observatory. (2023). *Global Tax Evasion Report 2023*. Paris: European Union.
- ✓ Gallemore, J., & Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 149-167.
- ✓ Garcia-Bernardo, J., & Janský, P. (2022). Profit shifting of multinational corporations worldwide. *Journal of International Economics*, 137, 103643.
- ✓ Habib, A., Costa, M. D., & Jia, J. (2021). Determinants and consequences of financial constraints: A review of the empirical literature. *China Accounting and Finance Review*, 23(3), 78-126.
- ✓ Habib, Ahsan and Ranasinghe, Dinithi and Perera, Ahesha, Strategic Deviation and Corporate Tax Avoidance. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4402293> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4402293>.
- ✓ Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.
- ✓ Hann, R., M. Ogneva, and O. Ozbas. 2013. Corporate diversification and the cost of capital. *The Journal of Finance* 68 (5): 1961-1999.
- ✓ Hasan, I., Hoi, C. K. S., Wu, Q., & Zhang, H. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: The effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, 113(1), 109-130.
- ✓ Hasan, M. M., Habib, A., & Alam, N. (2021a). Asset redeployability and corporate tax avoidance. *Abacus*, 57(2), 183-219.
- ✓ Hasan, M. M., Lobo, G. J., & Qiu, B. (2021b). Organizational capital, corporate tax avoidance, and firm value. *Journal of Corporate Finance*, 70, 102050.
- ✓ Hassanabadi, M. (2019). *Strategic Thinking, Organizational Foresight, and Strategic Planning in High-tech SMEs in the UK*. Bangor University (United Kingdom).
- ✓ Higgins, D., Omer, T. C., & Phillips, J. D. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 674-702.

- ✓ Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., & Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.
- ✓ Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American Economic Review*, 76(2), 323-329.
- ✓ Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of financial Economics*, 3(4), 305-360.
- ✓ Kangtao Ye, Jenny Xinjiao Guan, and Bo Zhang View all authors and affiliations, October 11, 2018, Strategic Deviation and Stock Return Synchronicity, *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, Volume 36, Issue 1.
- ✓ Kovermann, J., & Velte, P. (2019). The impact of corporate governance on corporate tax avoidance. A literature review. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 36, 100270
- ✓ Kovermann, J., & Velte, P. (2021). CSR and tax avoidance: A review of empirical research. *Corporate Ownership & Control*, 18, 20–39.
- ✓ Law, K. K., & Mills, L. F. (2015). Taxes and financial constraints: Evidence from linguistic cues. *Journal of Accounting Research*, 53(4), 777-819.
- ✓ Li, B., Liu, Z., & Wang, R. (2021). When dedicated investors are distracted: The effect of institutional monitoring on corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40, 106873.
- ✓ Linck, J., J. Netter, and T. Shu. 2013. Can managers use discretionary accruals to ease financial constraints? Evidence from discretionary accruals prior to investment. *The Accounting Review* 88 (6): 2117–2143.
- ✓ Litov, L. P., Moreton, P., & Zenger, T. R. (2012). Corporate strategy, analyst coverage, and the uniqueness paradox. *Management Science*, 58(10), 1797-1815.
- ✓ Meng Qiang, Nartraphee Tancho", Kusuma Dampitakse¹, 30 September 2023, Trade Credit Financing Reveals the Impact of Strategic Deviation on Firm Performance: Chinese Manufacturing Industry, *International Journal of Advanced Research in Economics and Finance* ISSN: 2682-812X/Val. 5, No. 3, 257-270, 2023
- ✓ Miles, R. E., & Snow, C. C. (1978). *Organizational Strategy, Structure, and Process*. McGraw-Hill.
- ✓ Mills, L., Erickson, M. M., & Maydew, E. L. (1998). Investments in tax planning. *The Journal of the American Taxation Association*, 20(1), 1-20.
- ✓ OECD. (2025). *Corporate Taxation and Global Economic Policy*. Paris: OECD Publishing.
- ✓ Provaty, S. S., Amin, S., & Hasan, M. M. (2022). Strategic deviation and debt maturity structure. *Finance Research Letters*, 50, 103317.
- ✓ Ranasinghe, D., & Habib, A. (2023). Strategic deviation and investment inefficiency. *Australian Journal of Management*, in press.
- ✓ Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94(3, Part 1), 461-488.
- ✓ Sikka, P. (2010). Smoke and mirrors: Corporate social responsibility and tax avoidance. *Accounting Forum*, 34(3-4), 153-168.
- ✓ Tang, J., Crossan, M. & Rowe, W. G. (2011). Dominant CEO, deviant strategy, and extreme performance: The moderating role of a powerful board. *Journal of Management Studies*, 48(7), 1479-1503.
- ✓ Velte, P. (2023). Sustainable institutional investors, corporate sustainability performance, and corporate tax avoidance: Empirical evidence for the European capital market. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 1–13. <https://doi.org/10.1002/csr.249>.
- ✓ Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999.

- ✓ Ye, K., Guan, J. X., & Zhang, B. (2021). Strategic deviation and stock return synchronicity. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 36(1), 172-194.
- ✓ Yuan, R., Cheng, Y. & Ye, K. (2016). Auditor industry specialization and discretionary accruals: the role of client strategy. *The International Journal of Accounting*, 51(2), 217-239.